

پژوهش در پژوهش های اسلامی در حوزه تعریف و روش تحقیق، متأثر از پژوهش های میدانی نظیر پژوهش های رایج در علوم روان شناسی و جامعه شناسی گرفتار چالش هایی شده است. بسیاری با چشم فرو بستن بر روی تلقی کهن دانشمندان اسلامی از تحقیق و روشی که آنان در تحقیق معمول می کنند و بدون لحاظ مقتضیات که علوم اسلامی دارد، تلاش می کنند، تعریف دیگری از پژوهش اسلامی و روش تحقیق آن متناسب با تحقیقات میدانی به دست بدهند. احتمالاً به این منظور که از این رهگذر، خود را از قافله علوم جدید و میدانی عقب نبینند. منتها به یک کلاف سر در گمی در ناحیه اندیشه و عمل گرفتار آمده اند و حاصلی جز خودباختگی و ندانم کاری به دست ن داده اند.

تعریف پژوهش اسلامی

برای پژوهش اسلامی دو نوع تعریف می توان به دست داد: توصیفی و توصیه ای. تعریف توصیفی یعنی تعریفی که ناظر به نوع پژوهش هایی است که اهالی علوم اسلامی معمولاً صورت می دهند. تعریف توصیه ای یعنی تعریفی که برخی از پژوهشگران آن را توصیه می کنند و حتی در فرم های طرح تحقیق، پژوهشگران را الزام می کنند، آن گونه تحقیقی را بپردازند. بنابراین، تعریف توصیفی توضیح می دهد که پژوهش چگونه است و تعریف توصیه ای توصیه می کند که باید پژوهش چگونه باید باشد.

۲. تعریف توصیفی پژوهش اسلامی

ملاحظه پژوهش های اسلامی نشان می دهد، نوع این پژوهش ها عبارت است از: «گردآوری و پردازش و نگارش اطلاعات بر محور متن یا موضوع یا مسئله ای خاص»؛ بنابراین در پژوهش اسلامی اولاً سه عنصر به چشم می خورد: عنصر اول، «گردآوری اطلاعات» است که آن جستجو یا تتبع هم نامیده می شود، عنصر دوم، «پردازش اطلاعات» است که از آن به تحلیل یا تدبیر هم تعبیر می کنند و عنصر سوم، «نگارش اطلاعات» است که آن را تألیف یا تصنیف هم می نامند؛ ثانیاً پژوهش اسلامی می تواند، یکی از سه محور را داشته باشد. یا «محور متن» که می توان آن را متن پژوهی نامید یا «محور موضوع» که آن را می توان موضوع پژوهی خواند و یا «محور مسئله» که آن را می توان مسئله پژوهی نامبردار ساخت.

۳. تعریف توصیه ای پژوهش اسلامی

در تعریف توصیه ای پژوهش، معمولاً توصیه می شود، به «پژوهش مسئله محور» اقبال شود و سئوالی مورد پژوهش قرار گیرد که هنوز پاسخی نیافته است یا اگر پاسخ یا پاسخ هایی یافته، قانع کننده و منقح نیست و همچنان مورد تردید و محل نزاع است و لذا جای تحقیق مجدد و عمیق تر و گسترده تری دارد. چنین تعریفی خاستگاهی جز تقلید از محافل پژوهشی در علوم جدید و میدانی ندارد؛ به همین رو متولیان تحقیق علوم اسلامی تقریباً همان فرم های تحقیقی را که در تحقیقات میدانی معمول است، مورد عمل قرار می دهند و در آن از مقولاتی نظیر متغیر مستقل و متغیر وابسته، جامعه آماری و روش نمونه گیری سخن می رود که هیچ ارتباطی با نوع غالب تحقیقات اسلامی ندارند.

۴. نقد تعریف توصیه‌ای پژوهش اسلامی

به دست دادن چنین تعریفی از پژوهش متضمن نوعی ادعا و قضاوت درباره پژوهش‌های جاری است. به همین جهت، به نظر می‌رسد، ما باید قبل از آن که تسلیم چنین تعریفی از پژوهش شویم و پژوهش‌های اسلامی را بر اساس آن سامان دهیم، باید صحت و سقم چنین ادعا و قضاوتی را دریابیم.

به نظر می‌رسد، در این تعریف به واقع ادعا می‌شود که :

اولاً، همه کسانی پژوهش‌گر خوانده می‌شوند، نظیر دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا از توانایی پرداختن به پژوهش‌های مسئله محور برخوردارند؛ چون در فرم‌های طرح تحقیقی که به ایشان داده می‌شود و آنان را الزام به تکمیل آن می‌کنند، خواسته شده است که سئوالات و فرضیات خود را بیان کنند.

ثانیاً، هر سئوالی سئوال علمی است، اگرچه دانشمندان اسلامی پاسخ آن را به روشنی بدانند و هیچ اختلاف و نزاع علمی درباره پاسخ آن میان نباشد.

ثالثاً، لزومی ندارد، یک سئوال اساسی محور تحقیق را تشکیل بدهد؛ بلکه می‌توان سئوالات ریز و درشت و متعدد و پراکنده‌ای را که حتی ذیل یک سئوال کلی نمی‌گنجد و از آن سئوال کلی منشعب نمی‌شود، به عنوان سئوالات تحقیق مطرح کرد.

به نظر می‌رسد، هیچ یک از این ادعاها و جاهت علمی ندارد و با استانداردهایی که در کتاب‌های روش تحقیق برای سئوال علمی معین شده است، موافقت ندارد؛ بلکه بر عکس سئوالی که چنان ویژگی‌هایی داشته باشد، غیر علمی خوانده شده است. (۱) اینک مناسب به نظر می‌رسد، به تفصیل موارد نادرستی تعریف توصیه‌ای رایج برای پژوهش اسلامی بیان گردد.

الف. عدم توجه به توانایی‌های علمی پژوهش‌گران:

یکی از اشتباهات طرفداران تعریف توصیه‌ای در این است که همه پژوهش‌گران موجود در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها را مجتهد و نظریه‌پرداز و دارای توانایی پرداختن به پژوهش مسئله محور تلقی می‌کنند؛ حال آن که همه کسانی که در حوزه علوم اسلامی به عنوان محقق شناخته می‌شوند، نظیر دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی اعم از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دوره دکترا در حد و اندازه مجتهد و نظریه‌پرداز نیستند و لذا توانایی پرداختن به پژوهش‌های مسئله‌محور را ندارند. بسیاری از دانشجویان این دوره‌ها حتی دانشجویان دوره دکترا از چنین توان علمی بی‌بهره‌اند. جهت آن این است که آنان هنوز چندان به جنبه‌ای از یک دانش از دانش‌های اسلامی اشراف و احاطه علمی لازم پیدا نکرده‌اند که به سئوالاتی برخوردند که هنوز دانشمندان اسلامی به آنها پاسخ نداده یا اگر پاسخی داده‌اند، آن پاسخ‌ها را دارای استحکام لازم نیابند؛ بلکه همچنان محل نزاع و اختلاف بیابند و پژوهش گسترده‌تر و عمیق‌تری را در زمینه آنها لازم تشخیص بدهند.

ب. بی‌توجهی به ویژگی‌های سئوال علمی :

یکی دیگر از اشتباهات طرفداران تعریف توصیه‌ای در این است که سئوال علمی را از سئوال عادی و غیر علمی تمیز نمی‌دهند و به واقع هر سئوالی را سئوال علمی به شمار می‌آورند و لو آن که آن سئوال نزد دانشمندان اسلامی پاسخ روشن و متفقی داشته باشد. باید توجه داشت که سئوال علمی سئوالی است که برای دانشمندان و متتهیان مطرح می‌شود؛ نه سئوالی که تنها برای جاهلان و مبتدیان پیش می‌آید و دانشمندان و متتهیان پاسخ آن را می‌دانند.

برای مثال هرگز سئوالاتی از این دست سئوال علمی به شمار نمی‌رود که مثلاً پیامبران اولو العزم کدامند؟ حضرت ابراهیم کیست؟ در چه شهری به دنیا آمد؟ پدرش چه نام داشت؟ دوره کودکی و نوجوانی و جوانی و میان سالی و سالخورده‌گی خود را چگونه سپری کرد؟ چون مطالعه یک یا دو کتاب درباره حضرت ابراهیم کافی است که سئوال‌کننده پاسخ‌های روشن و بدون نزاع تمام این سئوالات را بیابد؛ به علاوه این سئوالات یا آن‌قدر کلی‌اند که چندین مقاله و کتاب را می‌توان به آنها اختصاص داد یا آن‌قدر ریز و جزئی‌اند که در حد یک مقاله یا کتاب مطلب نخواهد داشت و یا چنان متعددند که نمی‌توان آنها را ذیل یک سئوال محوری قرار داد. چنین سئوالاتی از قبیل سئوالات پایان درس در دوره ابتدایی است و برای فراگیری محتوای کتاب‌های چنین دوره‌ای مناسب دارد.

یک نمونه سئوال علمی را می‌توان این چنین باز گفت که آیا نسخ در قرآن رخ داده است یا نه. این سئوال علیرغم پیشینه درازی که دارد، هنوز پاسخ روشن و مورد اتفاقی به آن داده نشد؛ به همین جهت یکی مثل علامه عسکری به کلی منکر نسخ در قرآن است (۲) یا آیت الله خویی تنها یک مورد نسخ را در قرآن می‌پذیرد (۳) و دیگری مثل آیت الله معرفت حدود بیست مورد نسخ را در قرآن باور دارد و جای ابتکار در نسخ را همچنان مفتوح می‌یابد و نوعی نسخ را در قرآن به نام نسخ مشروط معرفی می‌کند. (۴) (طبیعتاً چنین سئوالی که فرهیختگان در علوم اسلامی درباره پاسخ آن اختلاف و نزاع علمی دارند، سئوال علمی محسوب می‌شود؛ نه سئوال کسانی هنوز آگاهی‌های اولیه را نیز درباره نسخ ندارند و حتی کتاب‌شناسی ابتدائی را در خصوص آن به عمل نیاورده‌اند؛ چه رسد به این که به آن از اندازه از احاطه و اشراف علمی رسیده باشند که بتوانند در ردیف فرهیختگان یادشده قرار بگیرند و بسان آنان بتوانند به نظریه‌پردازی بپردازند.

ج. بی‌توجهی به مقتضیات علوم اسلامی :

یکی دیگر از خطاهای طرفداران تعریف توصیه‌ای این است که برای پژوهش‌های متن محور یا موضوع محور که در میان پژوهش‌گران اسلامی معمول است، ارزشی قائل نیستند. آنان این پژوهش‌ها را به جهت آن که مسئله محور نیست، اساساً پژوهش نمی‌شمارند و گاهی تمایل دارند که بر آنها نام‌هایی مثل تصحیح یا تألیف و یا حتی گردآوری بنهند؛ حال آن که از عناصر سه‌گانه پژوهش که پیش‌تر بیان شد، نسبت به پژوهش‌های مسئله محور چیزی کم ندارند: هم در آنها تتبع صورت می‌گیرد و اطلاعات لازم گردآوری می‌شود و هم در آن تدبیر صورت می‌پذیرد و به پردازش آن اطلاعات اهتمام می‌شود و هم سرانجام نگارش می‌شود و به مخاطبان خود عرضه می‌گردد.

به علاوه چنین نیست که تنها پژوهش‌های مسئله محور به گسترش مرزهای دانش بیانجامد، در پژوهش‌های متن محور یا موضوع محور نیز کمابیش دستاوردهای علمی جدیدی حاصل می‌گردد و به گسترش مرز دانش منتهی می‌شود؛ منتها باید توجه داشت که دستاوردهای علمی جدید در این نوع پژوهش‌ها پراکنده و در مطاوی اطلاعات کهن بیان می‌شود؛ لذا به مانند پژوهش‌های مسئله محور صورت بارز و آشکاری ندارد.

گذشته از آن ما باید در تلاش‌های علمی خود نگاهی هم به حاجات محافل علمی و پژوهشی خود بیافکنیم. تردیدی نمی‌توان داشت که پژوهش‌های متن محور و موضوع محور نیز مورد حاجت این محافل است. حداقل بهره‌ای که می‌توان از رهگذر این نوع از پژوهش‌ها برد، در اختیار نهادن متون علمی لازم برای پژوهش‌گران است. پنهان نیست که در آنچه «تألیف و تحقیق» یا «تصحیح و تحقیق» و یا «ترجمه و تحقیق» نامیده می‌شود، حداقل تلاش علمی که صورت می‌گیرد، اطلاع رسانی و در اختیار نهادن متون علمی برای اهالی پژوهش یا سایر علاقه‌مندان است .

۵. انواع پژوهش اسلامی

چنان که آمد، پژوهش‌های اسلامی به سه دسته تقسیم می‌شود: پژوهش‌های متن محور؛ پژوهش‌های موضوع محور و پژوهش‌های مسئله محور.

الف. پژوهش متن محور :

این نوع از پژوهش عبارت از این است که بخشی از یک متنی مانند یک مقاله یا یک کتاب محور تحقیق قرار گیرد. این نوع از تحقیق را می‌توان «متن پژوهی» نامید. متن پژوهی به این شکل است که بر محور بخشی یا کل یک متن یکپارچه‌ای مثل کتاب یا مقاله‌ای اطلاعاتی را فراهم می‌کنند و به ترتیبی که متن آن کتاب یا مقاله دارد، آن اطلاعات را در پاورقی می‌آورند. نیز پاره‌ای از اطلاعات را در مقدمه یا خاتمه متن می‌افزایند. این نوع از تحقیق خود انواعی دارد که به طور عمده عبارت‌اند از: نقد و بررسی، تصحیح و تحقیق، ترجمه و تحقیق.

«تصحیح و تحقیق» عبارت از این است که معمولاً چند نسخه از یک کتاب را به دست می‌آورند و یک نسخه‌ای را که کهن‌تر یا معتبرتر است، اصل قرار می‌دهند و اطلاعات متفاوت یا اضافه سایر نسخه‌ها را در پاورقی یا پایان کتاب نقل می‌کنند و گاهی شرح‌هایی جز آنها مانند شرح اعلام مجهول یا لغات غریب یا ذکر منابع آن و معرفی نسخه‌های به دست آمده و شرح حال مؤلف را می‌افزایند و به ندرت برخی از مطالب آن را هم به نقد می‌کشند.

«ترجمه و تحقیق» عبارت از این است که معمولاً یک کتاب یا مقاله‌ای را که به زبان بیگانه است، ترجمه می‌کنند و گاهی شرحی توضیحی یا انتقادی هم بر آن می‌افزایند. گاهی نیز نقد غلبه دارد و به همین رو عنوان «ترجمه و نقد» به خود می‌گیرد.

«نقد و بررسی» عبارت از این است که مطالب یک کتاب یا مقاله را به طور گزینشی و اجمالی گزارش کنند و مطالب مقبول یا مردود آن را به طور مستدل مورد ارزیابی و نقد قرار دهند.

ب. پژوهش موضوع محور :

این نوع از تحقیق عبارت از این است که مطالب پراکنده راجع به یک موضوع که در لابه لای آثار متعددی به چشم می‌خورد، گردآوری و تنظیم شود و حسب مورد به تلخیص یا تفصیل آنها اهتمام گردد و گاهی نیز نقد و ارزیابی قرار گیرد.

پژوهش‌های موضوع محور نیز به انواعی دیگری تقسیم‌پذیر است که به یک اعتبار مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: گردآوری و شرح، گردآوری و مقایسه، گردآوری و نقد.

در «گردآوری و شرح» سعی بر این است که اطلاعات پراکنده راجع به یک موضوع از منابع گوناگون گردآوری شود و حسب مورد به شرح اعلام مجهول یا لغات غریب یا توضیح دیگر مشکلات آن اطلاعات پرداخته شود؛ بدون این که مطالب آن مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد.

در «گردآوری و مقایسه» سعی می‌شود، درباره موضوع تحقیق دو یا چند دسته از اطلاعات گردآوری و با یکدیگر تطبیق و مقایسه شود و جهات اشتراک یا افتراق آنها بیان گردد و گاهی امتیازات یکی بر دیگری باز شناخته شود.

در «گردآوری و نقد» تلاش بر این است که اطلاعات پراکنده درباره یک موضوع جمع‌آوری شود و به نقد و ارزیابی و بررسی صحت و سقم آنها پرداخته شود.

ج. پژوهش مسئله محور :

این نوع از پژوهش مورد توجه کسانی است که در شاخه‌ای از یک دانش اسلامی، مطالعات لازم را به انجام رسانده و اشراف و احاطه علمی کافی به تفصیل و جزئیات آن پیدا کرده و از این رهگذر به سؤالی پاسخ‌نیافته یا سؤالی که پاسخ‌یافته، ولی پاسخ‌های آن گوناگون است و هم‌چنان محل گفتگو و نزاع علمی قرار دارد، برخوردده‌اند و خود سعی دارند، پاسخی برای آن سؤال پاسخ‌نیافته بیابند یا پاسخ خاصی از پاسخ‌های عرضه شده را راجح می‌یابند؛ چون قراین و شواهد و ادله جدیدی برای تأیید یا اثبات آن پاسخ به دست آورده‌اند. در این نوع از تحقیق، محور تحقیق همان سؤال قرار می‌گیرد و تمام اطلاعات لازم به منظور روشن شدن پاسخ آن سؤال گردآوری می‌شود و به عرضه شواهد و قراین و دلایلی که آن پاسخ را تأیید یا اثبات می‌کند، مبادرت می‌گردد. این نوع از تحقیق را می‌توان به دو نوع دیگر هم تقسیم کرد: «تحقیق بنیادی و تحقیق کاربردی».

«تحقیق بنیادی» آن است که نتایج آن صرفاً جنبه نظری و علمی دارد و تنها به گسترش مرزهای دانش می‌انجامد و «تحقیق کاربردی» آن است که نتایج آن جنبه عینی و عملی دارد و به بهینه‌سازی وضعیت یک شیء یا مجموعه می‌انجامد.

پنهان نیست که پژوهش‌های متن محور یا موضوع محور را نیز - منوط به این که به گسترش مرزهای دانش کمک کنند - می‌توان در زمره پژوهش بنیادی جای داد؛ متنها اطلاق پژوهش بنیادی بر پژوهش مسئله محور نظری برانزده‌تر است. مثال پژوهش بنیادی را می‌توان همانی برشمرد که پیش‌تر درباره نسخ در قرآن بیان شد.

به نظر می‌رسد، پژوهش کاربردی در حوزه علوم اسلامی پژوهش‌هایی است که در پاسخ به مسائل و مشکلات اجتماعی و عصری به انجام می‌رسند؛ نظیر پژوهش درباره تجمل‌گرایی یا رسم پوشش و نظایر آنها. ناگفته نماند که روش تحقیق در این نوع پژوهش در ناحیه تبیین مشکل باید به شیوه میدانی نظیر مصاحبه و پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل آماری و در ناحیه ارزیابی مشکل و ارایه راه حل باید به شیوه کتابخانه‌ای یعنی فیش‌برداری و تجزیه و تحلیل محتوایی باشد.

۶. روش‌های پژوهش در پژوهش‌های اسلامی:

هر پژوهشی از جمله پژوهش اسلامی دو مرحله اساسی دارد: مرحله گردآوری یا تتبع و مرحله داوری یا تدبیر. هر یک از این دو مرحله روش‌های ویژه‌ای دارد.

روش گردآوری یا تتبع اطلاعات دو نوع است: کتابخانه‌ای و میدانی «روش کتابخانه‌ای» عبارت است از مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نظیر کتاب، مجله، CD، و اینترنت که صورت مکتوب به خود گرفته‌اند و فیش‌برداری از آن منابع و دسته‌بندی و مرتب‌سازی آنها؛ اما «روش میدانی» عبارت است از مراجعه به افراد جامعه و ثبت اطلاعات آنان به شیوه‌های مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه و جز آنها و استخراج نتایج آنها و تنظیم آن نتایج (۵).

آشکار است که اطلاعات علمی در قریب به اتفاق پژوهش‌های اسلامی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود؛ جز موارد نادر پژوهش‌های کاربردی که در ناحیه تبیین مشکل به روش میدانی به گردآوری اطلاعات علمی پرداخته می‌شود.

روش داوری یا تدبیر و به تعبیر دیگر روش پردازش اطلاعات در علوم اسلامی معمولاً به صورت‌های استقرائی و قیاسی یا ترکیبی از آن دو است. (۶) البته پردازش اطلاعات در علوم اسلامی حسب مورد عناوین خاصی چون تصحیح، ترجمه، شرح، نقد، تفسیر، استنباط، تعریف، تحلیل، مقایسه، تبیین و استنتاج به خود گرفته‌اند. (۷) پنهان نیست که ذیل همه این عناوین کمابیش نوعی فکر و تدبیر صورت می‌پذیرد. فکر را در منطق چنین تعریف کرده‌اند که آن عبارت است از حرکت از مجهول به معلومات مربوط و بررسی آن معلومات و بهره‌گیری از آن معلومات برای حل مجهول. (۸) در هر یک از این عناوین پس از مواجهه با مجهول به جستجوی معلومات (اطلاعات) مربوط پرداخته می‌شود و با مطالعه آنها به توضیح آن مجهول اهتمام می‌شود.

روش غالب در پژوهش‌های اسلامی «روش استقرایی» است؛ یعنی به منظور ترجمه یا تصحیح یا تفسیر و مانند آنها قرائن و شواهد مربوط مورد مطالعه قرار می‌گیرند و آنچه را قرائن و شواهد معتبر تأیید کنند، علمی به شمار خواهد رفت. گاهی هم «روش قیاسی» کارآیی دارد؛ این چنین که قاعده‌ای کلی بر موارد تحت مطالعه تطبیق می‌شود و شمول یا عدم شمول آن قاعده بر آن موارد بررسی می‌گردد. گاهی هم هر دو شیوه استقرایی و قیاسی کاربرد دارد. ترکیب این دو شیوه را «روش علمی» می‌نامند. (۹)

۷. نتیجه

حاصل مطالبی که در این نوشتار آمد، این است که شایسته است، از به دست دادن تعریف توصیه‌ای درباره پژوهش اسلامی بدون لحاظ مقتضیات ویژه علوم اسلامی و توانایی علمی و هوشی افراد و الزام افراد مبتدی و منتهی و مستعد و غیر مستعد بر سامان دادن پژوهش خود بر اساس آن خودداری شود و به جای پس زدن پژوهش‌های متن محور و موضوع محور و بر کرسی نشانیدن پژوهش مسئله محور، هر سه نوع پژوهش به رسمیت شناخته شود؛ منتها به کسانی که احاطه و اشراف علمی لازم در شاخه‌ای از مباحث هر یک از علوم اسلامی پیدا کرده و علاوه بر آن از استعداد لازم برای نظریه‌پردازی و اجتهاد علمی هم برخوردارند، توصیه شود، به پژوهش مسئله محور اقبال کنند. مبتدیان و غیر مستعدان نیز به پژوهش‌های متن محور یا موضوع محور راهنمایی شوند.

نمونه فرم طرح پژوهشی

۱. نوع تحقیق

الف. مسئله پژوهی

(تحقیق درباره یک یا چند سؤال مشخص پاسخ‌نیافته یا پاسخ منقح نیافته)

ب. موضوع پژوهی

(گردآوری متون پراکنده و تحلیل و جمع‌بندی آنها)

ج. متن پژوهی

(ترجمه و تحقیق یا تصحیح و تحقیق و یا نقد و بررسی یک متن یکپارچه نظیر کتاب یا مقاله)

۱. جزئیات تحقیق

۲. ۱. معرفی مسئله / موضوع / متن تحقیق

توضیح مسئله / موضوع / متن تحقیق

بیان سئوالات اصلی و فرعی (ویژه مسئله پژوهی)

بیان فرضیات اصلی و فرعی (ویژه مسئله پژوهی)

معرفی متن یا متون مورد تحقیق (ویژه متن پژوهی)

معرفی مؤلف یا مؤلفان متن یا متون مورد تحقیق (ویژه متن پژوهی)

۲.۲ بیان اهمیت مسئله / موضوع / متن تحقیق : ذکر فواید علمی یا کاربردی

۳.۳ بیان پیشینه تحقیق:

(ذکر سابقه دیدگاه‌ها و تحقیقات در زمینه مسئله / موضوع / متن و بیان کمبودها و اشکالات آنها)

۲.۴ ذکر ریز تحقیق

عناوین اصلی و فرعی فصول (ویژه مسئله پژوهی و موضوع پژوهی)

موارد تحقیق (ویژه متن پژوهی):

الف. استخراج مآخذ (ذکر آدرس آثاری که مؤلف از آنها نقل کرده است)

ب. استدراک مآخذ (ذکر آدرس آثاری که مؤلف از آنها نقل نکرده، ولی همان مطالب یا مشابه آن در آن

آثار نیز وجود دارد)

ج. نقد مطالب (تأیید یا رد مطالب متن)

د. شرح الفاظ یا عبارات دشوار متن

ه. شرح اعلام

و. تصحیح متن

ز. ترجمه متن

نمایه‌سازی (مشترک برای هر سه):

الف. فهرست آیات

ب. فهرست احادیث

ج. فهرست اشعار و امثال

د. نمایه اعلام

ه. نمایه واژگان

۲.۵ بیان روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات:

الف. کتابخانه‌ای

ب. میدانی (مشاهده مصاحبه پرسش‌نامه)

روش پردازش اطلاعات:

الف. شرحی (استخراج مآخذ، استدراک مآخذ، استدراک مطالب، شرح الفاظ و عبارات دشوار، شرح اعلام)

ب. نقدی (بیان معایب و محاسن یک شخصیت / مکتب / عملکرد / واقعه / نظریه / روایت)

ج. تفسیری (کشف مراد متن)

د. استنباطی (استخراج حکم شرعی یک موضوع)

ه. توصیفی (بیان ویژگی های یک شخصیت / مکتب / عملکرد / واقعه / نظریه)

و. تحلیلی (بیان اجزا یا جزئیات یک چیز)

ز. مقایسه‌ای / تطبیقی (بیان جهات اشتراک یا افتراق دو شخصیت / مکتب / عملکرد / واقعه / نظریه)

ح. تبیینی (بررسی علل پیدایش یک پدیده)

ط. استنتاجی (کشف لوازم منطقی یک یا چند قضیه)

۶۰۲. فهرست منابع: (فارسی، عربی، لاتین و مقالات به تفکیک)

۷۰۲. زمان بندی تحقیق:

(پیش بینی تفصیلی مدت انجام تحقیق به تفکیک مراحل یا فصول تحقیق)

..... پاورقی

جعفر نکونام . <http://nekoonam.parsiblog.com/131035.htm>

۱ (رک: بست، جان؛ روش های تحقیق در علوم تربیتی، ترجمه حسن پاشا شریفی - نرگس طالقانی، چ ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۳۵-۳۹ دلاور، علی؛ روش های تحقیق در علوم تربیتی، چ ۲، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۰، ص ۴۵ و نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم؛ روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (ویرایش سوم)، چ ۱۱، انتشارات بدر، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۶

۲ (رک: عسکری، القرآن و روایات المدرستین

۳ (رک: خوئی، البیان

۴ (رک: معرفت، التمهید، ج ۲، ص ۲۹۶

۵ (رک: مؤلف، روش تحقیق کتابخانه‌ای، ص ۲

۶ (رک: همان، ص ۱۱۰-۱۱۱

۷ (رک: همان، فصل ۴

۸ (رک: مظفر، المنطق

۹ (رک: مؤلف، پیشین، ص ۱۱۱